

خشکسالی و تحول معیشت نیمه کوچ‌نشینان تفتان

حسن افراخته

دانشگاه تربیت معلم تهران گروه جغرافیا

چکیده

استان سیستان و بلوچستان در دهه اخیر خشکسالی شدیدی را تجربه کرده که اثرات مهمی در زندگی روستایی ناحیه داشته است. اثرات خشکسالی در معیشت دامداری ناحیه به دو دلیل محسوس‌تر بوده است: اول، آنان به مراتب طبیعی وابسته بوده‌اند و دوم، دولت برنامه مشخصی جهت حمایت از دامداری در مقابل خشکسالی نداشته است. دامنه‌های جنوب و شرق تفتان در بلوچستان از قدیم مامن مردمی بوده که معیشت آنان به بهره‌برداری از مراتب طبیعی وابسته بوده است. آن‌ها از سال ۱۳۱۰ زمانی که خلع سلاح عشایر صورت گرفته و فعالیت‌های کشاورزی آغاز شده، معیشت خود را به نیمه‌کوچ‌نشینی تغییر داده‌اند. تغییر نوع معیشت از کوچ‌نشینی به نیمه‌کوچ‌نشینی و یکجانشینی پدیده‌ای معمول است اما این تحول باید روندی تدریجی، درونزا و همراه با طی مرحله "جامعه‌پذیری" باشد در غیر این صورت ممکن است به عواقب نامطلوب بیانجامد. مطالعه تحولات معیشتی دامداران مزبور در اثر خشکسالی‌های اخیر هدف اصلی مقاله حاضر می‌باشد. مقاله ابتدا شاخص خشکسالی ناحیه را بر اساس داده‌های آماری مطالعه می‌کند آن‌گاه داده‌های جمع‌آوری شده (از طریق بررسی محلی و برخی منابع) با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن تحلیل می‌شود. نتیجه نشان می‌دهد که معیشت نیمه‌کوچ‌نشینی در اثر خشکسالی اخیر به شرح زیر تحول یافته است: گروهی که دارای اراضی زراعی در "سنگان" هستند، فعالیت زراعی و تولیدات خود را تغییر داده و تعدادی دام را به صورت دامداری روستایی حفظ کرده‌اند زیرا دولت به روش‌های مختلف از کشاورزان در برابر خشکسالی حمایت کرده است. گروه کوچک دیگری معیشت خود را از نیمه‌کوچ‌نشینی به رمه‌گردانی تغییر داده و در ناحیه کوهستانی تفتان "شونده" ساکن شده‌اند. این دو گروه می‌توانند زندگی قبلی خود را با استفاده از بارش‌های اخیر و پایان دوره خشکسالی مبتنی بر بهره‌برداری از مراتب طبیعی از سر بگیرند. بالاخره شمار قابل‌توجهی از جمعیت، نوع معیشت خود را از دست داده و به مراکز شهری مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها سرمایه یا مهارت لازم برای زندگی در نواحی شهری را ندارند و می‌توانند مشکلات شهری را تشدید کنند.

واژگان کلیدی: خشکسالی، بلوچستان، نیمه‌کوچ‌نشینی، تغییر نوع معیشت، مشکلات شهری

مقدمه :

استان سیستان و بلوچستان در دهه اخیر خشکسالی شدیدی را تجربه کرده که اثرات مهمی در زندگی روستایی ناحیه به جای گذاشته است. اثرات خشکسالی در نوع معیشت دامداران ناحیه به دو دلیل محسوس تر بوده است : اول این که زندگی آن‌ها مستقیماً به مراتع طبیعی وابسته بوده است و دیگر آن که دولت برنامه مشخصی جهت حمایت از دامداران در مقابل خشکسالی نداشته است. دامنه‌های جنوب و شرق تفتان در بلوچستان از قدیم‌الایام مأوای مردمی بوده که معیشت آنان بر بهره‌برداری از مراتع طبیعی استوار بوده است، آنها از سال‌های ۱۳۱۰، زمانی که عشایر خلع سلاح شده و فعالیت‌های کشاورزی آغاز شده از کوچ‌نشینی به نیمه‌کوچ‌نشینی روی آورده‌اند. تحول معیشت از کوچ‌نشینی به نیمه‌کوچ‌نشینی پدیده‌ای رایج است. اما این روند باید تدریجی و درون‌زا باشد ؛ باید مرحله « جامعه‌پذیری » را طی کرده باشد در غیر این صورت ممکن است به عواقب نامطلوب بیانجامد. بررسی روند تحول نوع معیشت نیمه‌کوچ‌نشینان تفتان در اثر خشکسالی هدف اصلی مقاله حاضر می‌باشد و این فرضیه موردبررسی قرار می‌گیرد که در شرایط فقدان برنامه‌های مشخص دولت جهت حمایت از نیمه‌کوچ‌نشینان در مقابل خشکسالی، آنان بدون طی مرحله « جامعه‌پذیری » نوع معیشت خود را از دست داده و روانه مراکز شهری شده‌اند، امری که می‌تواند عواقب نامطلوب در پی داشته باشد. در این راستا مقاله ابتدا شاخص خشکی ناحیه را بررسی می‌کند. آنگاه روند اشکال مختلف تحول معیشت نیمه‌کوچ‌نشینان در اثر خشکسالی و عوامل تا "ثیرگذار آن موردتجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نتیجه تحقیق می‌تواند مورد استفاده مسئولانی قرار گیرد که وظیفه برنامه‌ریزی را در

ناحیه‌ای به عهده دارند که تغییر اقلیمی و خشکسالی دوره‌ای یکی از مشخصه‌های اصلی آن می‌باشد.

پیشینه تحقیق:

تحول زندگی دامداری و عشایری در کشور ما موضوع مطالعات زیادی در قالب طرح‌های اسکان عشایر، مطالعات اجتماعی، اقتصادی و ساماندهی ایلات و عشایر بوده است. صاحب نظران علوم مختلف از دیدگاه‌های متفاوتی این روند را در نقاط مختلف کشور مطالعه کرده‌اند. در استان سیستان و بلوچستان هم بررسی‌های زیادی در مورد زندگی دامداری، آداب و رسوم و ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی دامداران نواحی مختلف صورت گرفته است. تحول زندگی مردم به نیمه کوچ‌نشینی، گسترش خانه‌سازی و فعالیت کشاورزی و نیز نظام سلسله مراتب اجتماعی رایج از کوچ‌نشینان تفتان در کتاب حکایت بلوچ گفته شده است (زند مقدم، ۱۳۷۰).

دکتر سیروس سهامی در مقاله‌ای تحت عنوان «نیمه کوچ‌نشینان تفتان» معیشت این گروه از جمعیت بلوچستان را بررسی کرده و حرکت دام و عامله دامدار را از منطقه به اصطلاح قشلاق به چراگاه‌های بهاری و تابستانی و برعکس مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را به عنوان «زندگی نیمه کوچ‌نشینی» رده‌بندی کرده است (سهامی، ۱۳۵۵). در سال‌های ۶-۱۳۵۵ خانم بستر (Bestor) رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی خود در دانشگاه مک‌گیل "Mecgill" تحت عنوان «کردهای بلوچستان ایران» به مطالعه زندگی مردم سنگان اختصاص داده است. او در آن بررسی از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی روند به قدرت‌رسیدن کردهای مقیم این ناحیه در زمان شاه عباس صفوی

و افول قدرت آنان در زمان برقراری حکومت متمرکز را مطالعه کرده است. ایشان با وسواس زیادی روابط اقتصادی - اجتماعی اقشار مختلف ناحیه را بررسی کرده و نشان داده که عمده‌ترین گروه مالک اراضی ناحیه « کردها » هستند « مرادزهی‌ها » اغلب زندگی شبانی دارند، بقایای غلامان سابق که از مناطق زنگبار و جیرفت در اثر رواج مراودات خاصیه ناحیه آورده شده‌اند و نیز استاها یا « لوری » ها از دیگر اقشار ناحیه می‌باشند که هر یک به نوعی در تداوم ساختار یک نظام عشایری نیمه‌اسکان یافته مشارکت دارند (بستر، ۱۹۷۹). همه مطالعات مزبور بر این اندیشه‌اند که ساکنان ناحیه به طور طبیعی معیشت دامداری را با زندگی یکجانشینی پیوند داده و از منابع آب و خاک ناحیه استفاده مطلوبی به عمل می‌آورند. آنچه تحقیق حاضر را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازد آن است که تحول معیشت جمعیت ناحیه در اثر یک دوره خشکسالی در دهه اخیر را که به نوع خود پدیده‌ای جدید در ناحیه می‌باشد، مورد بررسی قرار داده و عوامل و نتایج آن را به بحث کشیده است .

مبانی نظری تحقیق :

بر اساس دیدگاه‌های مخالف با تداوم و استمرار کوچ‌نشینی، کاهش تدریجی جمعیت کوچ‌نشین، تنگ‌تر شدن عرصه معیشت مبتنی بر دامداری سنتی و تحولات عمیق و فراگیر جوامع بشری در زمینه‌های علمی، فرهنگی و ارتباطات، ادامه این شیوه معیشت را بیش از پیش غیرمنطقی و ناممکن ساخته است. بر اساس این نظریه دوران کوچ‌نشینی به سر آمده و در جهان امروزی ادامه شیوه معیشت کوچ‌نشینی مورد پذیرش نیست. نوع معیشت در حقیقت اقتضائات محیط

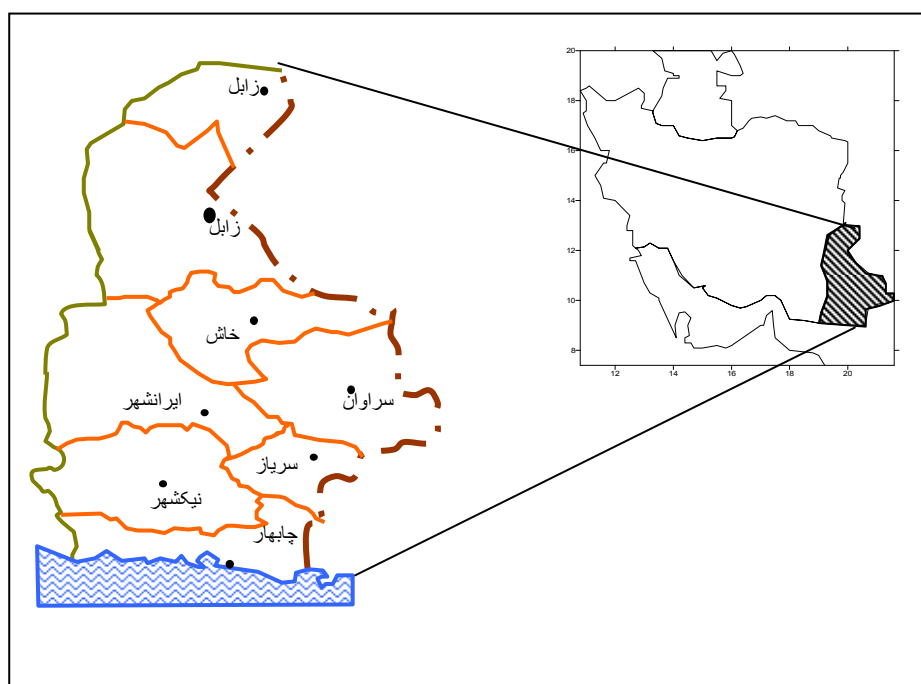
طبیعی است که مفهومی مربوط به گذشته می‌باشد و اکنون در اثر رشد بی‌امان جمعیت و رواج اقتصاد پولی سخت دچار تغییر و تحول شده است (درئو، ۱۳۷۴: ۴-۶). طبق دیدگاه دیگری عشایر در مرحله انتقالی گذار از کوچ‌نشینی به یکجانشینی قرار دارند. اما مسأله آن است که اسکان و یکجانشینی مستلزم طی مرحله « جامعه‌پذیری » (socialization) بوده و جامعه عشایری متقاضی اسکان از طریق جامعه‌پذیری، هنجارهای مرتبط با زندگی یکجانشینی را باید به تدریج درونی کنند (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۵۷-۲۵۵). دورکیم در تعریف جامعه‌پذیری از درونی کردن هنجارها سخن به میان آورده و تعلیم و تربیت را مهم‌ترین ابزار درونی‌کردن هنجارهای اجتماعی قلمداد کرده است. به برکت اجتماعی شدن، شخص در طول حیات خود عناصر اجتماعی - فرهنگی را فرا گرفته و درونی می‌کند و تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی خود را با محیطی که باید در آن زندگی کند، تطبیق می‌دهد (روشه ۱۳۶۷: ۱۴۸).

روش تحقیق:

منطقه مورد مطالعه تحقیق را قلمرو فعالیت نیمه کوچ‌نشینان تفتان، دامنه‌های جنوب و شرق تفتان در ناحیه سرحد بلوچستان در فاصله زاهدان - خاش تشکیل می‌دهد (نقشه ۱) (اداره جغرافیایی کشور، ۱۳۶۴). ناحیه مورد مطالعه در فاصله بین ایستگاه‌های زاهدان و خاش قرار دارد. از اطلاعات آماری مربوط به این ایستگاه‌ها شاخص خشکسالی ناحیه استخراج گردید. متأسفانه ایستگاه خاش فاقد داده‌های اقلیمی بلندمدت است ولی آمار اقلیمی ۴۰ ساله ایستگاه زاهدان وجود دارد. برای تعیین دوره خشکسالی از رابطه زیر استفاده شده است: $D = Z_T - Z_R$ که در آن D: شاخص خشکسالی، T: میانگین دمای سالیانه، و

R : میانگین بارش سالیانه می‌باشد. از کل جمعیت ناحیه که حدود ۱۳۰ خانوار می‌باشد، ۸۵ خانوار تا قبل از خشکسالی اخیر از محل فعالیت‌های دامداری ارتزاق می‌کردند. گروه اخیر به عنوان جامعه نمونه تحقیق انتخاب شدند. اطلاعات موردنیاز تحقیق از طریق پرسش‌گری با مامورین و شورای روستایی مرکز سنگان و سکونتگاه کوهستانی " شونده " جمع‌آوری گردید. اشکال عمده واکنش دامداران نیمه کوچ‌نشین در برابر خشکسالی در سه گروه طبقه‌بندی شد. برای درک عوامل موثر در روند تحول، از آزمون ناپارامتری تعیین ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است .

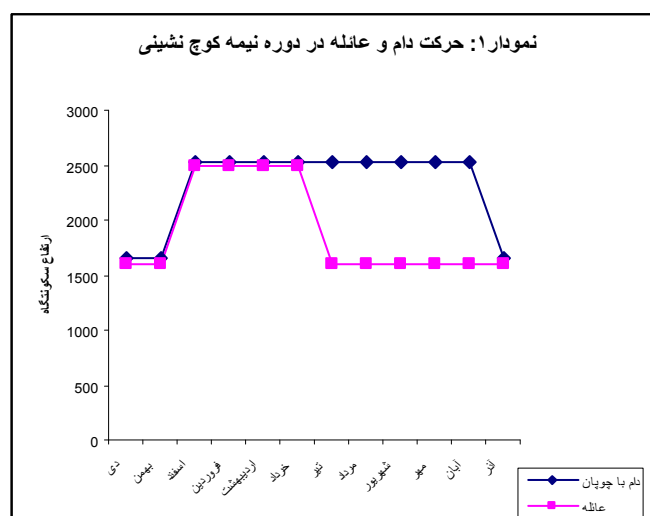
نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی ناحیه



داده‌های تحقیق

ناحیه سرحد و دامنه‌های تفتان در گذشته مأمن دامدارانی بوده است که به رسم عشایر و براساس استفاده از مراتع طبیعی و نگهداری دام روزگار می‌گذراندند. خانه‌سازی، کشاورزی و حفر قنات تشویق می‌شود. نظام‌های اخذ مالیات، خراج، غلامداری و کنیزداری متروک می‌گردد (زند مقدم، ۱۳۷۰: ۴۴۷). در نتیجه فعالیت‌های کشاورزی رواج می‌یابد و ده سنگان که دارای خاک نسبتاً حاصلخیزی در مسیر رود سنگان بود، به عنوان سکونتگاه زمستانی شکل می‌گیرد. این رود دارای آب دائمی بوده که به سوی هامون "ماشکید" روان می‌گردد. گندم از اولین تولیداتی بوده که عشایر اسکان یافته به کشت آن اقدام کردند اقوام کرد با استفاده از ارتباطات حکومتی در ایجاد مشاغل زراعی پیش‌قدم می‌شوند و اقوام مراد زهی که پیشتر در کار شبانی بوده اند به برزگران سهم بر تبدیل می‌شوند. به هنگام بارش و طغیان آب، اهالی سیلاب را به انهار و مزارع هدایت می‌کردند تا رسوبات حاصلخیز محلول سیلاب در مزارع رسوب کند. بنابراین ویژگی‌های زندگی ایلی، دامداری از ارکان مهم زندگی و مبتنی بر پرورش دام به شیوه نیمه کوچ‌نشینی ادامه می‌یابد (سهامی، ۱۳۵۵: ۳۴-۲۱). در آن ایام دامدار همراه با عائله و دام‌های خود از ۲۰ بهمن ماه به سوی دامنه‌های تفتان حرکت می‌کرد و در منطقه‌ای موسوم به «ده نو» اطراق می‌کرد. از بهمن ماه تا ۱۵ الی ۲۰ اسفند ماه هنوز گله بره‌ها و دام‌ها با هم به چرای می‌رفتند و بره‌ها و بزغاله‌ها از شیر مادران خود تغذیه می‌کردند اما از آن زمان به بعد گله بره‌ها جدا و حفاظت از آنها به عهده زنان خانواده سپرده می‌شد و دام توسط چوپان به چرای برده می‌شد. عائله دامدار تا اواخر خرداد ماه در «ده نو» به مدت حدود ۴ ماه باقی می‌ماندند در ایام سرد سال دام را شب هنگام در آخورها (Goash) می‌انداختند.

نگهداری و با استفاده از علوفه آنها را تغذیه نمایند. نمودار ۱ چگونگی حرکت دام و خانواده دامدار را در گذشته نشان می‌دهد.



بین مالک و شبان در بخش دامداری باید قرار دادی تنظیم می‌شد و به امضا و تأیید پاسگاه محل می‌رسید. چون احتمال نکول شبان وجود داشت، مالک پی‌گیر انعقاد قرار داد و ثبت آن در پاسگاه ژاندارمری بوده است. براساس قرارداد تعهد طرفین به این شرح بوده است که مالک مزد و پاداش چوپان را به صورت زیر تعهد می‌کرد: نانی، برحسب هر گله (معمولاً ۱۵۰ رأس) ۲ خروار گندم، معادل ۱۲۰۰ کیلو گندم به عنوان غذای سالیانه چوپان به او پرداخت می‌شد. لباسی (لباس)، معمولاً ۲ دست لباس برای چوپان، همسر و بچه‌های او تهیه می‌شد. پیشکری (پیشکرایه)، مبلغی پول برحسب تعداد گوسفند و گله (معمولاً برحسب هر گله ۳۰۰۰۰ تومان در سال‌های ۱۳۵۰) به چوپان پرداخت می‌شد.

مقدار نانی، لپسی و پیشکری همیشه متغیر بوده و برحسب چوپان و نیاز خانواده او و یا ابعاد خانواده چوپان تفاوت داشت.

شنکی (shaneki) درطول سال وقتی دامها میزائیدند، از هر ۱۰ بره متولد شده یک بره مال چوپان بود. نصف این بره‌ها به انتخاب مالک و نصف دیگر را چوپان انتخاب می‌کرد. مودی (Modi)، هر سال موی بزها یک بار چیده می‌شد که ماده اولیه تهیه سیاه چادر را تشکیل می‌داد و نیز در بازار به فروش می‌رسید. از هر ۱۰ دام بز موی یک دام سهم چوپان بود. گاهی یکی از صاحبان گله‌ها از ۴ بعدازظهر تا ۱۰ شب دامها را به چرا می‌برد این کار را «شیوان» (Shievan یا Shlvan) می‌گفتند و معمولاً در ۲ ماه بهار صورت می‌گرفت. در آن ایام (۱۳۵۵) از ۴۸ خانوار مقیم ناحیه، تنها ۲ خانوار هریک بیش از ۵۰ رأس دام داشتند و اکثر مردم به طورمتوسط حدود ۱۰ تا ۴۰ رأس دام داشتند.

جدول ۱: ترکیب جمعیت دامداری در سنگان در سالهای ۱۳۵۵

تعداد دام	فاقد دام	۱-۱۰	۱۱-۲۰	۲۱-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	>۵۰	جمع
تعداد خانوار	۷	۱۳	۱۷	۷	۱۰	۱	۲	۴۸
درصد	۱۴/۶	۲۷/۱	۳۵/۳	۱۴/۶	۱/۲	۲/۱	۴/۲	۱۰۰

منبع: بستر، ۱۹۷۹: ۱۸۶

رابطه مستقیمی بین میزان زمین زراعی افراد و تعداد دام‌هایشان وجود داشت و بیشترین دامها در اختیار سران بوده است. جدول ۲ تعداد دام‌های افراد را بر حسب میزان مالکیت اراضی زراعی آنها نشان می‌دهد.

جدول ۲: مالکیت زمین و تعداد خانواده‌های دامدار در سال ۱۳۵۵

میزان زمین	فاقد زمین	کمتر از ۱هکتار	۱-۲	۲-۳	۳-۵	۵-۹	>۹	جمع
تعداد خانوار	۹	۱۸	۶	۴	۰	۳	۱	۴۱
متوسط دام خانوار	۱۶	۱۷	۲۲	۲۵	۰	۵۰	۱۵۰	-

منبع: بستر و پرشگری محلی، ۱۹۷۹: ۱۸۶

بعد از انقلاب اسلامی به تدریج همراه با افزایش جمعیت، آزادی عمل بیشتر اقشار فرودست در بهره‌برداری از زمین و سیاست‌های تشویق اقشار فقیر و افزایش قیمت گوشت، هم جمعیت دامدار و هم تعداد دام آن‌ها افزایش یافت. جدول ۳، ترکیب جمعیت دامدار را به تقریب در سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد. طبق جدول درصد خانوارهای فاقد دام یا دارای دام کم نسبت به گذشته کاهش یافته و در مقابل بر تعداد خانواده‌های دارای دام بیشتر افزوده شده است.

جدول شماره ۳: ترکیب جمعیت دامدار بر حسب تعداد دام در سال ۱۳۷۴

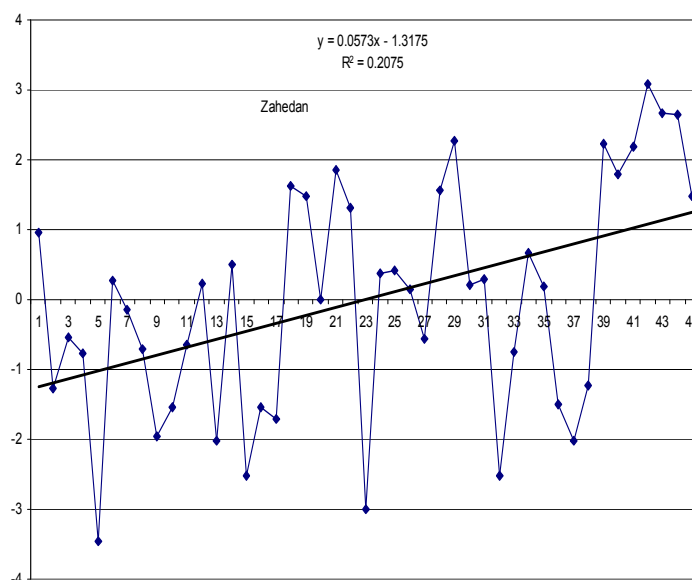
تعداد دام	فاقد دام	۱-۱۰	۱۱-۲۰	۲۱-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	>۵۰	جمع
تعداد خانوار	۱۱	۱۸	۱۳	۱۴	۱۲	۹	۸	۸۵
درصد	۱۲/۹	۲۱/۲	۱۵/۳	۱۶/۵	۱۴/۱	۱۰/۶	۹/۴	۱۰۰

منبع: بررسی محلی

در این ایام شرایط پرداخت مزد چوپان مثل گذشته بود با این تفاوت که به جای "نانی" در این دوره به چوپان پول نقد داده می‌شد زیرا به دلیل افزایش قیمت خرید گندم توسط دولت، کل گندم تولیدی روستایی به فروش می‌رسید. همه مردم از آرد و نان سوپسیدی استفاده می‌کردند. به علاوه در هر سال حدود ۴ بسته روغن نباتی ۵ کیلویی نیز به چوپان داده می‌شد.

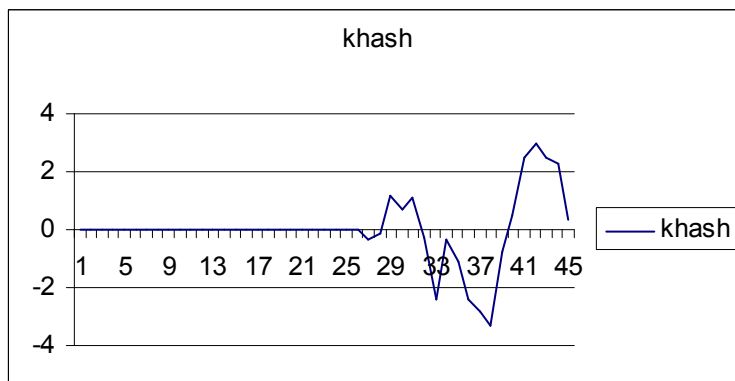
از سال‌های ۷-۱۳۷۶ خشکسالی شدیدی در ناحیه به وقوع پیوسته است. نمودار ۲ شاخص خشکسالی ناحیه زاهدان را نشان می‌دهد که مبتنی بر آمار ۴۰ ساله ۱۹۶۰-۱۹۸۳ می‌باشد. ولی نمودار ۳، مربوط به ایستگاه خاش و براساس آمار سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۸ تنظیم شده است. ناحیه در موقعیت جغرافیایی بین دو ایستگاه مزبور واقع است. طبق نمودارها، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ در ناحیه خشکسالی حکمفرما بوده است.

نمودار ۲: شاخص خشکسالی زاهدان



منبع: داده‌های اقلیمی سازمان هواشناسی

نمودار ۳: شاخص خشکسالی خاش



منبع: داده‌های اقلیمی سازمان هواشناسی

در اثر خشکسالی کشاورزی ناحیه سیستان به طور کلی متوقف گردید. در اثر خشکسالی ظرفیت اکثر مراتع استان به صفر رسید. دامداری جهت ادامه حیات به علوفه خریداری شده متکی گردید.

دولت جهت حمایت از کشاورزان برنامه مشخصی داشت. اما حمایت دولت از دامداران به صورت ارائه آرد مجانی، علوفه یارانه‌ای و بیمه دام بود که در اجرا با مشکلاتی مواجه بود و بیمه کردن دام عملی نگردید. در نتیجه معیشت مردم دگرگون گردید و تعداد دام‌ها کاهش یافت. جدول شماره ۴ ترکیب جمعیت دامدار را در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴ ترکیب جمعیت دامدار در سال ۱۳۸۲

تعداد دام	فاقد دام	۱-۱۰	۱۱-۲۰	۲۱-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	>۵۰	جمع
تعداد خانوار	۳۸	۱۴	۱۸	۱۰	۳	۲	۰	۸۵
درصد خانواده	۴۴,۷	۱۶,۵	۲۱,۲	۱۱,۸	۳,۵	۲,۳	۰	۱۰۰

منبع: بررسی محلی

واکنش دامداران ناحیه در پاسخ به خشکسالی را می‌توان به شرح ذیل

خلاصه کرد:

۱- گروهی در منطقه قشلاق‌نشین سنگان دارای زمین زراعی بودند که از آب رود سنگان مشروب می‌شد. دولت به اشکال مختلف مثل پرداخت خسارت کشاورزی، ارائه آرد مجانی، پرداخت وام طرح‌های سیل‌بندی و استخراج آب زراعی از کشاورز حمایت کرد. گروهی از افراد از این موقعیت به حداکثر منتفع شدند.

از طرف دیگر این گروه کشت یونجه را افزایش دادند، آب رود سنگان را به اراضی کشاورزی سنگان مرکزی هدایت کردند و زمین‌های زراعی پیرامونی را به آیش سپردند. دامهای این عده نیز هر چند با تعداد محدوده‌تر اما در پیرامون ده سنگان برای همیشه نگه‌داری شدند. این بار برخلاف گذشته که دام‌ها در فصل خاصی به سنگان هدایت می‌شدند تا از مراتع اطراف روستا و ته بن مزارع برداشت شده استفاده کنند، هدف از نگه‌داری دام پیرامون ده دسترسی بهتر به تغذیه دام با

استفاده از علوفه تولیدی و خریداری بودند در نتیجه این عده توانستند تعدادی از دام‌های خود را حفظ کنند .

۲- گروه معدودی با مشقت بسیار در ناحیه شونده باقی ماندند. اینان با استفاده از علوفه خریداری شده و استفاده از مراتع محدود مقر دره‌های کوهستانی باقی مانده‌اند. اینان برای نگهداری دام در فصل سرد از طویله (گواش) و مقرهای سنگ چین شده کوهستانی همراه با سیاه چادر استفاده می‌کنند. اینان نیمه کوچ‌نشینی را به رمه‌گردانی « ترانس‌هومانس » تبدیل کرده‌اند. جدول ۵ نوع واکنش دامداران را نسبت به خشکسالی بر حسب تعداد و فراوانی نشان می‌دهد.

جدول ۵ : نوع واکنش دامداران نسبت به خشکسالی بر حسب تعداد و فراوانی

نوع واکنش	تعداد	درصد
۱	۴۱	۴۸,۲
۲	۳۸	۴۴,۷
۳	۶	۷,۱
جمع	۸۵	۱۰۰

منبع: بررسی محلی

پیدایش و گسترش شغلی چون "کسب با تویوتا" حاصل دیگر چنین روندی است. به این معنی که گروهی با استفاده از اتومبیل وانت تویوتا اجناسی چون بنزین، نفت، کپسول گازمایع، آرد و کود شیمیایی را خریداری و در میرجاوه در مکان‌هایی موسوم به "مندی" با واسطه‌ها می‌فروشند. واسطه‌ها این کالاها را به طور غیرمجاز به پاکستان صادر می‌کنند. در بازگشت نیز اتومبیل‌های تویوتا

میوه‌های پاکستانی، شکر، آدامس و کبریت از مرز خریداری و در ناحیه توزیع می‌کنند. جدول ۶ وضعیت شغلی افرادی را که در اثر خشکسالی دامداری را ترک کرده‌اند نشان می‌دهد.

جدول ۶: وضعیت شغلی افرادی که در اثر خشکسالی دامداری را ترک کرده‌اند

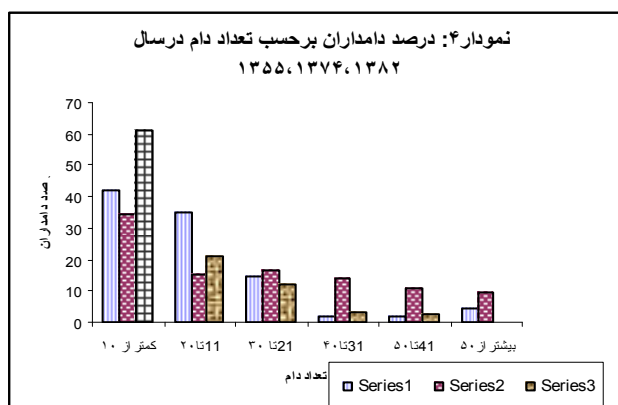
عنوان	تعداد	درصد
کارگر روستایی	۹	۲۳,۷
کارگری در ایرانشهر	۲	۵,۳
کارگری در خاش	۸	۲۱,۰
کارگری در زاهدان	۶	۱۵,۸
کسب با تویوتا	۵	۱۳,۲
بیکار	۸	۲۱,۰
جمع	۳۸	۱۰۰

منبع: بررسی محلی

بحث و نتیجه‌گیری:

در ناحیه مورد مطالعه اسکان و نیمه کوچ‌نشینی پدیده‌ای جدید و به تحولات سال‌های ۱۳۱۰ برمی‌گردد. در این ایام با استقرار حکومت متمرکز، عشایر خلع سلاح می‌شوند؛ خانه‌سازی تشویق می‌شود؛ فعالیت کشاورزی آغاز می‌گردد (جانبالهی، ۱۳۷۵: ۵۷-۸۲). حکومت محلی کردها که تا آن ایام در ناحیه سرحد گسترده بود، بسیار محدود می‌شود (افراخته، ۱۳۸۱: ۲۶۷-۲۷۹). دامداری سنتی و معیشتی در حد محدود به عنوان مکمل کشاورزی رواج داشته است؛ روابط زارع و دامدار بسیار منسجم و شالوده زندگی روستایی و معیشت محلی را تشکیل می‌داد.

چون جمعیت محدود بود (۴۸ خانوار) بهره‌برداری از مراتع به صورت سطحی و غیرتشدید رواج داشت و آیش از شیوه‌های رایج زراعت و تقویت خاک محسوب می‌شد. بعد از انقلاب جمعیت ناحیه افزایش یافت و به ۱۰۴ خانوار (۶۷۱) نفر رسید. سیاست‌هایی جهت حمایت از مناطق محروم و اقشار آسیب‌پذیر، رفع فقر و محرومیت و تحقق عدالت اجتماعی اجرا شد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۶)؛ قیمت فرآورده‌های کشاورزی و دامی افزایش یافت. افزایش جمعیت همراه با افزایش قیمت فرآورده‌های دامی (گوشت، شیره...)، طبق مدل " استربازارپ " (Ester Boserup) (گریک، ۱۸۱: ۱۳۷۵-۱۹۰) موجب فشردگی بهره‌برداری از زمین از جمله دامداری گردید. جمعیت دامدار از ۴۱ خانوار در سال ۱۳۵۷ به ۷۴ خانوار در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. خانوارهایی که تعداد دام آنها بیش از ۴۰ راس بود، از ۶/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. "شونده" در ارتفاع حدود ۲۵۰۰ متری محل اسکان گروهی از جمعیت نیمه کوچ‌نشین شد و آموزش و پرورش برای آموزش بچه‌ها سرباز معلم به شونده اعزام می‌کرد. انتظار می‌رفت که به تدریج جمعیت خود را با هنجارهای زندگی یکجانشینی تطبیق دهد؛ مهارت‌های لازم را فراگیرد؛ به طور تدریجی و منطقی به مرحله اسکان برسد. خشکسالی دهه اخیر و اتلاف مراتع منجر به ترک جمعیت دامدار از معیشت سنتی خود شد. نمودار ۴ نشان می‌دهد که بعد از انقلاب نسبت به دهه ۴۰ در صد دامداران دارای دام زیادتر افزایش یافته اما در اثر خشکسالی اخیر اکثر جمعیت دام‌های خود را از دست داده‌اند.



در توجیه عوامل موثر در نوع واکنش دامداران نسبت به خشکسالی ضریب همبستگی اسپرمن بین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی دامداران و نوع واکنش آنها به خشکسالی محاسبه شده است. به طوری که جدول ۷ نشان می‌دهد رفتار دامداران نسبت به خشکسالی با میزان زمین زراعی آنها رابطه منفی معنی‌داری دارد به این معنی که زمینداران با استفاده از امکانات کشاورزی و برخورداری از حمایت مالی دولت توانسته‌اند درحد محدودی دام‌های خود را نگه‌دارند و اکنون با اتمام دوره خشکسالی مجدداً تعداد دام‌های خود را افزایش داده و از مراتع طبیعی استفاده می‌کنند. نگارنده در بازدید مورخ خردادماه ۱۳۸۴ شاهد چرای گله‌های بزرگی در ناحیه بوده است که به همین افراد تعلق داشته است. در مقابل افراد فاقد زمین زراعی و بدون پشتوانه قادر به تحمل فشار ناشی از خشکسالی نبوده‌اند. این افراد بعد از مقاومت اولیه و وقتی که به گفته خودشان هزینه نگهداری دام از هزینه زندگی آدم بیشتر شده، ناچار به فروش دام شده‌اند و بدون آمادگی مالی و مهارتی لازم معیشت سنتی را ترک کرده و آواره شده‌اند.

رفتار دامداران تا حدی نیز متأثر از سن آنان بوده است و افراد جوان مقاومتی در برابر خشکسالی نداشته و ترک شغل کرده‌اند زیرا از نظر تحلیل هزینه و سود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۵-۲۲۳) ترک شغل آنان توجیه‌پذیرتر بوده است. برعکس افراد مسن و باتجربه‌تر مقاومت بیشتری داشته‌اند زیرا ترک دامداری در برابر هزینه وارده متضمن سودی برای آنان نبوده است. در نهایت می‌توان حمایت دولت از کشاورزان و عدم حمایت مستقیم از دامداران را در نوع واکنش دامداران موثر دانست.

جدول ۷: ضریب همبستگی اسپرمن بین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی دامداران و نوع واکنش آنها به خشکسالی

			age	Literacy	land	labor	Animal	reaction
Spearman's rho	age	Correlation Coefficient	۱,۰۰۰	.۰۲۱	.۴۳۰(**)	.۱۸۱	-.۱۷۷	-.۳۴۹(**)
		Sig. (۲-tailed)	.	.۸۴۹	.۰۰۰	.۰۹۷	.۱۰۵	.۰۰۱
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
literacy	literacy	Correlation Coefficient	.۰۲۱	۱,۰۰۰	.۱۵۴	.۲۰۷	.۰۷۱	-.۱۷۷
		Sig. (۲-tailed)	.۸۴۹	.	.۱۵۹	.۰۵۷	.۵۲۰	.۱۰۴
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
land	land	Correlation Coefficient	.۴۳۰(**)	.۱۵۴	۱,۰۰۰	.۱۸۷	-.۵۵۰(**)	-.۸۷۰(**)
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۱۵۹	.	.۰۸۶	.۰۰۰	.۰۰۰
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
labor	labor	Correlation Coefficient	.۱۸۱	.۲۰۷	.۱۸۷	۱,۰۰۰	.۱۸۲	-.۱۳۵
		Sig. (۲-tailed)	.۰۹۷	.۰۵۷	.۰۸۶	.	.۰۹۶	.۲۱۸
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
animal	animal	Correlation Coefficient	-.۱۷۷	.۰۷۱	-.۵۵۰(**)	.۱۸۲	۱,۰۰۰	.۶۴۴(**)
		Sig. (۲-tailed)	.۱۰۵	.۵۲۰	.۰۰۰	.۰۹۶	.	.۰۰۰
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
reaction	reaction	Correlation Coefficient	-.۳۴۹(**)	-.۱۷۷	-.۸۷۰(**)	-.۱۳۵	.۶۴۴(**)	۱,۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۱	.۱۰۴	.۰۰۰	.۲۱۸	.۰۰۰	.
		N	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵

** Correlation is significant at the .۰,۰۱ level (۲-tailed).

به این ترتیب نیمه کوچ‌نشینی در اثر خشکسالی به صورت اضطراری به رمه‌گردانی تبدیل گردید که چون حاصل روندی تدریجی و اختیاری نبوده و از روی اجبار و استیصال صورت گرفته عواقب نامطلوبی برای دامداران و جامعه در پی خواهد داشت .

بررسی نشان داد که اکثریت جمعیتی که دامداری را ترک کرده‌اند به ظاهر در کارگری ساده مراکز شهری جذب شده‌اند. گروهی نیز در فعالیتهای غیرمجاز مرزی فعالیت می‌کنند. هم‌اکنون این گروه در گسترش رشوه، ارتکاب جرائم، خروج کالای یارانه‌ای از کشور و ورود کالای غیرمجاز فعال هستند. زیرا جمعیت بیکار و فاقد سرمایه و مهارت در جستجوی معاش به طور طبیعی آماده جذب فعالیتهای غیرمجاز می‌باشد. فعالیت این گروه گذشته از آنکه زندگی مناسبی برای آنان تامین نمی‌کند، به اقتصاد کشور نیز آسیب می‌رساند و می‌تواند منشا نابسامانی‌های اجتماعی باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- اداره جغرافیایی ارتش (۱۳۶۴): فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، «جلد ۱۱۷-۱۱»، خاش، نره نو.
- ۲- ازکیا، مصطفی- غفاری، غلامرضا(۱۳۸۳): توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- ۳- افراخته، حسن(۱۳۸۱): " ظهور و سقوط حکومت ناحیه‌ای سرحد"، مجموعه مقالات نخستین همایش ایران‌شناسی.
- ۴- جانب‌الهی، محمدسعید(۱۳۷۵): " نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در طوایف بلوچ، سرحد، طایفه ریگی"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۱ ص ۵۷-۸۲.
- ۵- درئو، ماکس، جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، تهران، انتشارات ریزن، ۱۳۷۴.
- ۶- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.
- ۷- زند مقدم، محمود (۱۳۷۰): حکایت بلوچ، کتاب دوم، مرکز تحقیقات خلیج فارس.
- ۸- ریشه، گی (۱۳۶۷): کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ۹- سهامی، سیروس(۱۳۵۵): " نیمه‌کوچ‌نشینان تفتان"، مجله جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، بهار ۱۳۵۵.
- ۱۰- گریک، دیوید (۱۳۷۵): مقدمه‌ای بر جغرافیای کشاورزی، ترجمه عوض کوچکی و دیگران، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ۱۱- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸): نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.

12. Bestor, Gane fair (۱۹۷۹): The Kurds of Iranian Baluchestan, McGill University, Montreal.